



تحلیلی بر شاخص‌های بازار کار در سال ۱۳۸۷*

فخری میرشجاعی*

نسرین ارضروم چیلر**

چکیده: نیروی انسانی، یکی از مهمترین عوامل تولید است که از طریق مشارکت در تولید چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ مدیریتی و تکنولوژیکی نقش بسیار برجسته‌ای را در روند تولید ایفا می‌نماید؛ به نحوی که به جرأت می‌توان گفت، جوامعی که موفق شده‌اند از طریق برنامه ریزی صحیح و متکی بر اصول و ضوابط علمی، نیروی انسانی کارآمد به وجود آورند، به خوبی بر کمیابی‌های ناشی از دیگر عوامل تولید غالب آمده و اوضاع اقتصادی مطلوبی برای خود فراهم نموده‌اند.

ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و پایدار در سال‌های آینده از جمله دغدغه‌های برنامه ریزان و سیاستگذاران است که نیازمند اتخاذ سیاست‌های منطقی و اصولی برای بازار کار طی سال‌های آتی خواهد بود، از این رو، بررسی تحولات بازار کار ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. وضعیت بازار کار بر اساس نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار در سال ۱۳۸۷ حاکی از عدم بهبود نسبی شاخص‌ها در این بازار است. نرخ مشارکت پایین نیروی کار به ویژه برای زنان، بالا بودن نرخ بیکاری به خصوص در بین جوانان و عدم تعادل در بُعد شهری و روستایی از جمله مختصات بازار کار کشور به شمار می‌رود. در گزارش حاضر با تشریح وضعیت عرضه و تقاضای نیروی کار، دستمزدها و جنبه‌های مختلف نرخ بیکاری سعی خواهد شد تصویر کاملی از وضعیت بازار کار ارائه گردد.

۱. مقدمه

سرمایه انسانی همواره محور توسعه کشورها بوده است و نیروی کار نه تنها به عنوان عامل رشد اقتصادی، بلکه عامل اساسی در توسعه و ایجاد ثروت ملل محسوب می‌گردد. از این نظر بازار کار به عنوان یکی از بازارهای چهارگانه اقتصادی^۱، نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به عهده دارد. بنابراین ایجاد مقررات تنظیمی و سیاست‌های مناسب در تنظیم روابط کار و تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار می‌تواند در ایجاد شغل و کاهش بیکاری و متعاقباً افزایش رشد اقتصادی و کاهش تورم نقش بسزایی داشته باشد. پیامدها و آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که همواره مورد توجه سیاستمداران و اقتصاددانان قرار داشته است.

در ادبیات اقتصادی و محافل سیاستی، اشتغال حاصل کلیه فعل و انفعالات اقتصادی محسوب می‌گردد و از فضای حاکم بر اقتصاد تأثیر می‌گیرد. به عبارت دیگر، ایجاد اشتغال در کشور متأثر از سایر متغیرها نظیر سرمایه‌گذاری، صادرات، بهره‌وری نیروی کار، سیاست‌های ناظر بر تنظیم دستمزدها و رابطه بین عرضه و تقاضا در بازار کار می‌باشد. با توجه به آنکه اشتغال عامل مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها و حفظ کرامت و عزت انسانی محسوب می‌گردد، بیکاری به عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیامدها و تبعات ناگواری را به دنبال دارد. از این رو، مسئله اشتغال و بیکاری به خصوص نزد جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با شدت و ضعف‌هایی در تمام کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه همراه است و همچنین، دارای اهمیت خاصی برای دولت‌هاست که به منظور توسعه اشتغال و کاهش بیکاری در برنامه‌های کوتاه‌مدت،

به دنبال تحولات جمعیتی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵، ساختار جمعیت کشور دستخوش تغییرات اساسی گردید؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، ایجاد اشتغال برای جوانان به یکی از اولویت‌های برنامه ریزی بازار کار تبدیل شده است

میان مدت و درازمدت خود، به سیاستگذاری در این حوزه‌ها می‌پردازند.

بازار کار یکی از بازارهای مهم در اقتصاد به شمار می‌آید که به دلیل ارتباط مستقیم با انسان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دنبال تحولات جمعیتی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵، ساختار جمعیت کشور دستخوش تغییرات اساسی گردید؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، ایجاد اشتغال برای جوانان به یکی از اولویت‌های برنامه ریزی بازار کار تبدیل شده است. به علاوه، رسیدن به اشتغال کامل، ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری در افاق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی از اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور تعیین شده است.

برای ایجاد تعادل در بازار کار چهار دسته از سیاست‌ها به طور معمول طراحی و اجرا می‌گردند:

الف) سیاست‌های تنظیمی: این دسته از سیاست‌ها عمدتاً معطوف به شاغلان می‌باشند و نقش مؤثری در کاهش هزینه مبادله در بازار کار، تثبیت اشتغال، امنیت شغلی و انعطاف‌پذیری در بازار کار دارد. اجرای سیاست‌های مزبور در برقراری تعادل جریان ورود و خروج نیروی کار در بازار اهمیت دارد.

ب) سیاست فعال بازار کار: هدف از به کارگیری سیاست‌های مذکور، فعال کردن بازار کار به منظور کمک به بیکاران برای یافتن کار و افزایش بهره‌وری و کارآیی نیروی کار شاغل است. این دسته از سیاست‌ها از برنامه‌های منفعل بازار کار که حمایت مستقیم از بیکاران را دنبال می‌کنند (مانند بیمه بیکاری و سایر کمک‌های اجتماعی) متمایز می‌باشند.

ج) سیاست‌های حمایتی: این نوع از سیاست‌ها در برگیرنده حمایت‌های مالی از بیکاران، اصلاحات دستمزدی و پرداخت مقرری بیمه بیکاری و مواردی از این قبیل می‌باشند.

د) سیاست‌های پولی، بانکی و مالی کشور: دسته دیگری از سیاست‌ها هستند که در گروه سیاست‌های اقتصادی طرف تقاضا در بازار کار طبقه‌بندی می‌شوند و به منظور ایجاد هماهنگی و سازگاری تحولات بازار کار با بازار کالا و خدمات اتخاذ و اجرا می‌گردند.

با توجه به چالش‌های موجود در بازار کار، به کارگیری همزمان سیاست‌ها جهت نیل به اهداف مندرج در برنامه توسعه و سند چشم‌انداز ضروری می‌باشد. معیارهای اساسی جهت سیاست‌گذاری در بازار کار عبارت است از:

۱. افزایش رقابت پذیری نیروی کار از طریق سیاست‌های کلان اقتصادی مؤثر؛
۲. بهبود فضای سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان بخش خصوصی؛
۳. انعطاف‌پذیری بیشتر در قوانین و مقررات و نهادهای فعال در بازار کار؛
۴. تقویت سیستم آموزشی کشور متناسب با نیازهای بازار کار؛
۵. ایجاد سیستم حمایتی (تورهای ایمنی) از بیکاران.

به واسطه نقش برجسته درآمدهای حاصل از صدور نفت در اقتصاد ایران، انتخاب سیاست‌های مناسب جهت رفع مشکل بیکاری با چالش‌های جدی روبرو است. در شرایط افزایش درآمدهای نفتی، قیمت‌های داخلی و از جمله دستمزدها افزایش می‌یابند و تولیدات داخلی، قدرت رقابت‌پذیری خود را در سطح بین‌المللی از دست می‌دهند؛ در نتیجه فضای لازم برای رشد اشتغال کاهش می‌یابد. عدم تناسب افزایش دستمزدهای واقعی واحدهای اقتصادی، در سطحی بالاتر از آنچه که می‌بایست به واسطه ارتقای کارایی نیروی کار افزایش یابد، انگیزه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید توسط کارآفرینان را محدود می‌نماید.

۲. تحلیل شاخص‌های بازار کار

وضعیت بازار کار بر اساس نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار در سال ۱۳۸۷ حاکی از عدم بهبود نسبی شاخص‌ها در این بازار است. در این بخش ضمن مروری بر عرضه و تقاضای کار شاخص‌های مربوط به بیکاری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. عرضه نیروی کار

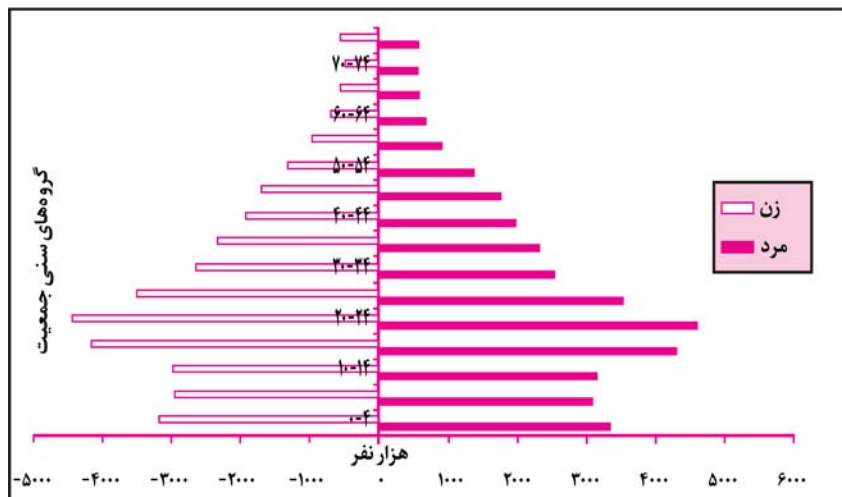
عرضه نیروی کار نشان‌دهنده تعداد افرادی است که با دستمزدهای متعارف وارد بازار کار می‌شوند و میزان آن متأثر از متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نظیر نرخ رشد جمعیت، نرخ بیکاری، پوشش تحصیلی، درصد جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ دستمزد واقعی و اسمی قرار دارد.

جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر عرضه بالقوه و جمعیت فعال، عرضه بالفعل نیروی کار را معین می‌نماید. جمعیت فعال بخشی از جمعیت ۱۰ سال به بالا می‌باشند که قادر به تولید کالاها و خدمات مشارکت دارند (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار می‌باشند (بیکار).

بر اساس برآورد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷، جمعیت کل کشور معادل ۷۲/۶ میلیون نفر بود که از این تعداد ۵۰/۹ میلیون نفر در مناطق شهری و مابقی در مناطق روستایی ساکن بودند.

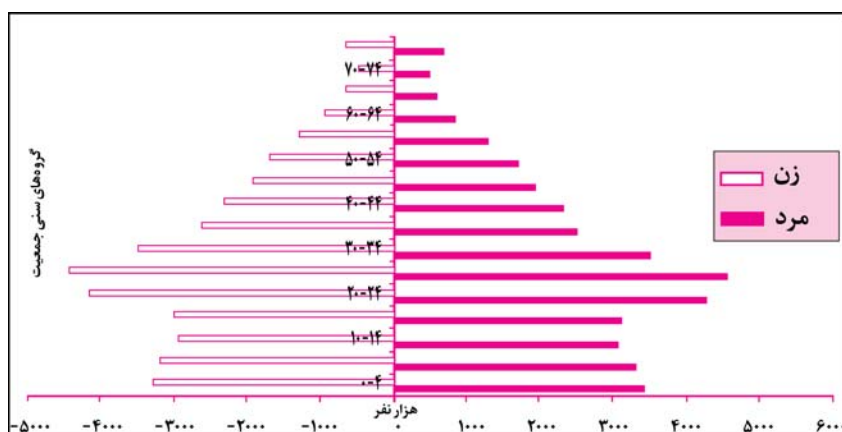
بر اساس گزارش نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۸۷ تعداد جمعیت فعال ۲۲/۹ میلیون نفر برآورد گردید. با توجه به نرخ مشارکت ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۷، کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر حدود ۶۰/۲ میلیون نفر برآورد شد که در مقایسه با سال قبل (۵۹/۲ میلیون نفر) ۱/۷ درصد رشد نشان می‌دهد. مقایسه روند رشد جمعیت فعال طی سال‌های اخیر، نشان‌دهنده کاهش رشد جمعیت فعال می‌باشد. این روند نشان می‌دهد که با توجه به انتقال جمعیت، طی سال‌های آتی، جمعیت فعال با رشد محدود و یا حتی کاهش مواجه خواهد شد. برای درک بهتر، هرم سنی جمعیت طی دو مقطع سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در نمودارهای شماره (۱) و (۲) ارائه شده است.

نمودار (۱) هرم سنی جمعیت در سال ۱۳۸۵



منبع: مرکز آمار ایران

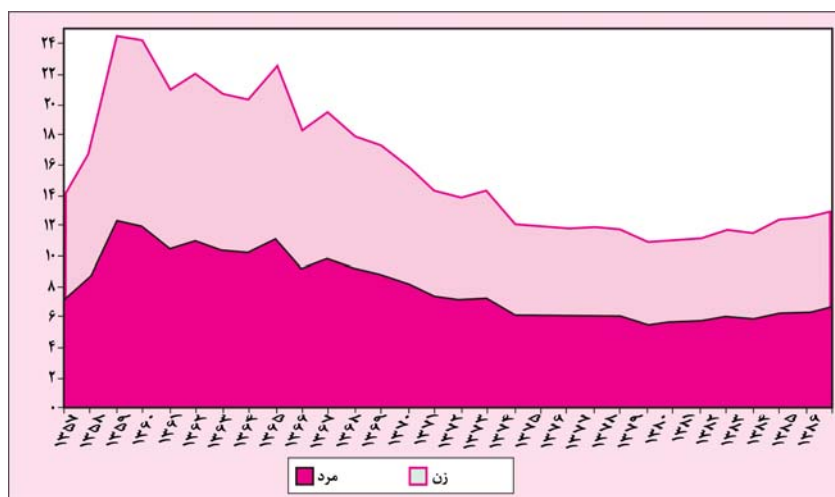
نمودار (۲) هرم سنی جمعیت در سال ۱۳۹۰



منبع: مرکز آمار ایران

آمار دیگری که می‌توان برای برآورد عرضه نیروی کار طی سال‌های آینده به آن استناد نمود، تعداد موالید طی سال‌های گذشته است. تعداد موالید به تفکیک جنسیت به صورت نمودار زیر است:^۳

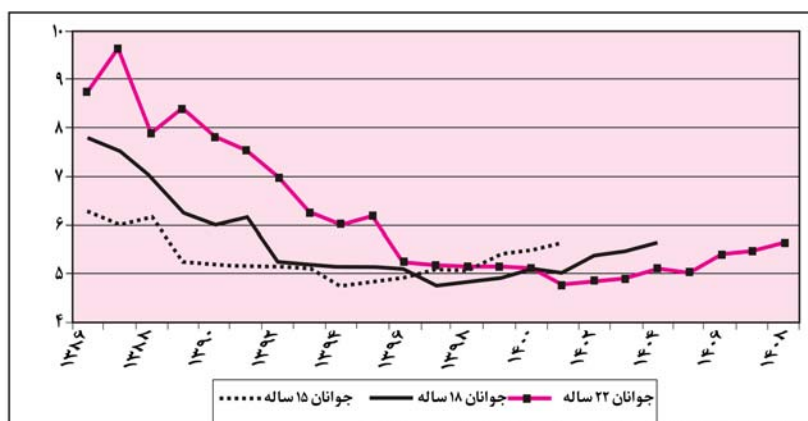
نمودار (۳) تعداد موالید کل کشور به تفکیک سال (یک صد هزار نفر)



بررسی نمودار متولدین طی سال های ۱۳۵۸-۱۳۸۶ نشان می دهد که بیشترین تعداد موالید مربوط به دهه اول انقلاب است که در حال حاضر پس از گذراندن دوران تحصیلات دانشگاهی وارد بازار کار شده اند؛ به طوری که اوج موالید مربوط به سال ۱۳۶۵ می باشد که جوانان ۲۲ ساله امروز را تشکیل می دهد (البته پس از اوج قبلی موالید در سال ۱۳۵۹ که در حال حاضر بخشی از بیکاران فعلی هستند). این گروه از جوانان پس از اتمام تحصیلات متوسطه و خدمت سربازی وارد بازار کار شده اند و یادوران تحصیلات دانشگاهی را به اتمام رسانده اند و با سطح تحصیلات بالاتری در جستجوی کار هستند.

با توجه به تعداد موالید و با فرض اینکه سن ورود به بازار کار به ترتیب معادل ۱۵، ۱۸ و ۲۲ سال باشد، روند ورود نیروی کار به بازار طی سال های آتی به صورت زیر خواهد بود:

نمودار (۴) برآورد ورودی نیروی کار جدید به بازار (صد هزار نفر) *



* برآورد با فرض نرخ مشارکت ۷۰٪ برای مردان و ۱۶٪ برای زنان صورت گرفته است.

همچنان که در نمودار شماره ۴ (۴) نیز ملاحظه می شود، ورود نیروی کار جدید به بازار طی سال های آتی روند کاهنده خواهد داشت. به موازات رشد و ارتقای فرهنگ جامعه و اطلاع از شرایط حاکم بر ساختارهای اقتصادی کشور و روند رو به گسترش صنعتی شدن جوامع، نرخ باروری کلی^۴ با کاهش روبرو می شود. این کاهش نرخ می تواند به دلیل ارتقای سطح خدمات بهداشتی پس از زایمان و افزایش احتمال زنده ماندن کودکان نیز باشد. علاوه بر این آگاهی خانوارها و تبلیغات نیز در کاهش تمایل خانوارها به داشتن فرزند بیشتر مؤثر است. نرخ باروری کلی از ۲ فرزند در سال ۱۳۷۹ به ۱/۹۱ فرزند در سال ۱۳۸۳ و ۱/۷۷ فرزند در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. کاهش نرخ باروری زنان ۱۵ تا ۱۹ سال از ۲۷/۵۶ به ۲۶/۵۹ (هر هزار زن) به دلیل افزایش سن ازدواج و تمایل به اشتغال و حضور در بازار کار توسط بانوان طی سال های اخیر است.^۵ اما باید توجه داشت، افزایش نرخ مشارکت زنان در سال های آینده و تعداد بیکاران فعلی، موجب می گردد نیاز به ایجاد اشتغال جدید در سطح فعلی همچنان تداوم یابد.

نکته حائز اهمیت دیگری که از آمار تعداد موالید قابل استخراج است، توجه به این واقعیت می باشد که مجموع تعداد موالید در سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۲ حدود ۱۲/۲ میلیون نفر است که در حال حاضر جمعیت جوان کشور را تشکیل می دهند. این گروه از جوانان در سن ازدواج قرار دارند و تأمین نیازهای مسکن و اشتغال آنها از اولویتهای ضروری به شمار می رود. علاوه بر این چنانچه تدابیری در جهت حفظ نرخ باروری و یا حتی کاهش آن اتخاذ نگردد، انتظار می رود شوک جمعیتی دهه ۶۰ یک بار دیگر تکرار شود و قاعده هرم جمعیتی به شدت گسترش یابد.

دومین عامل اثرگذار بر تغییرات عرضه نیروی کار، نرخ مشارکت نیروی کار است. افزایش نرخ مشارکت به مفهوم افزایش جمعیت فعال و به عبارت دیگر کاهش جمعیت غیر فعال می باشد. ادامه تحصیل

جوانان، اشتغال به خانه‌داری توسط زنان و عدم تمایل بیکاران به یافتن شغل، موجب می‌شود که سهم نسبتاً بالایی از جمعیت به صورت غیرفعال درآید که این موضوع بر تغییرات نرخ مشارکت تأثیرگذار است.

جدول (۱) وضعیت جمعیت فعال و غیرفعال در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۷*

(هزار نفر - درصد)

سال	ده‌ساله و بیشتر	جمعیت فعال	جمعیت غیرفعال	سهم فعال	سهم غیرفعال
۱۳۷۵	۴۵۴۰۱ (۳/۳)	۱۶۰۲۷ (۲/۲)	۲۹۳۸۴ (۳/۹)	۳۵/۳	۶۴/۷
۱۳۸۵	۵۸۱۲۹ (۲/۵)	۲۳۴۸۴ (۳/۹)	۳۴۶۴۵ (۱/۷)	۴۰/۴	۵۹/۶
۱۳۸۶	۵۹۲۴۴ (۱/۹)	۲۳۵۷۹ (۰/۴)	۳۵۶۶۴ (۲/۹)	۳۹/۸	۶۰/۲
۱۳۸۷	۶۰۲۴۳ (۱/۷)	۲۲۸۹۲ (-۲/۹)	۳۷۳۵۱ (۴/۷)	۳۸/۰	۶۲/۰

* ارقام داخل پرانتز برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶ درصد تغییر نسبت به سال قبل و برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ متوسط رشد سالانه ده‌ساله است.

با توجه به ورود سالانه حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نیروی کار جدید باید با سرمایه‌گذاری‌های لازم زمینه اشتغال نیروی کار جدید و بیکاران در جستجوی کار را فراهم نمود

بر اساس نتایج گزارش مرکز آمار ایران، نرخ سالانه مشارکت اقتصادی افراد ده‌ساله و بیشتر در سال ۱۳۸۷ برابر با ۳۸ درصد بود که نسبت به سال ۱۳۸۶، به میزان ۱/۸ درصد کاهش یافته است. کاهش نرخ مشارکت اقتصادی از یک بُعد منفی است؛ زیرا بیانگر کاهش ظرفیت بالقوه اشتغال می‌باشد، ولی از سوی دیگر در شرایطی که تقاضا برای اشتغال محدود است، مثبت تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر نرخ مشارکت از جنس عرضه اقتصادی جمعیت بوده و با جنبه اجتماعی عرضه جمعیت متفاوت است. تغییرات نرخ مشارکت از تصمیم‌های اقتصادی خانوارها و دولت منتج شده‌اند و پیامدهای اقتصادی خاص خود را نیز به دنبال دارند.

همچنان که از جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، نرخ مشارکت در مناطق شهری و روستایی در

جدول (۲) نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک مناطق و جنسیت

(درصد)

	تغییر واحد درصد		سه ماهه چهارم		
	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
کل کشور	-۰/۶	-۱/۴	۳۷/۲	۳۷/۸	۳۹/۲
زن	-۱/۱	-۱/۱	۱۲/۸	۱۳/۹	۱۵/۰
مرد	-۰/۳	-۱/۴	۶۱/۱	۶۱/۴	۶۲/۸
مناطق شهری	-۰/۸	-۱/۳	۳۶/۲	۳۷/۰	۳۸/۳
زن	-۰/۷	-۱/۱	۱۱/۶	۱۲/۳	۱۳/۴
مرد	-۰/۹	-۱/۳	۶۰/۲	۶۱/۱	۶۲/۴
مناطق روستایی	-۰/۳	-۰/۱	۳۹/۶	۳۹/۹	۴۱/۰
زن	-۱/۷	-۰/۶	۱۵/۹	۱۷/۷	۱۸/۳
مرد	۱/۳	-۱/۷	۶۳/۵	۶۲/۲	۶۳/۹

منبع: مرکز آمار ایران.

سه ماهه‌ی چهارم سال ۱۳۸۷ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل کاهش داشته است.^۷ مقایسه روند نرخ مشارکت به تفکیک مناطق شهری و روستایی حاکی از کاهش آن می‌باشد. این روند ناشی از بافت جمعیتی عمدتاً جوان کشور است. به نظر می‌رسد عامل «اثر مایوس‌کنندگی» این افراد را از جستجوی کار مایوس کرده است و یا برخی افراد اگر چه بیکار و در جستجوی کار هستند، ولی نمی‌دانند برای کاریابی به کجا مراجعه کنند. این طیف از جمعیت به دلیل عدم اطلاع‌رسانی کامل در بازار کار نه تنها بیکار بلکه غیر فعال باقی می‌مانند. مطالعات طرح آمارگیری نیز این عامل را در کاهش نرخ مشارکت مؤثر می‌داند؛ به طوری که بر اساس گزارش نتایج آمارگیری از نیروی کار در سال ۱۳۸۶ حدود ۳۶۱ هزار نفر از جمعیت به دلیل دلسردی و مایوس شدن از یافتن کار جدید و یا عدم آگاهی از روش‌های جستجوی کار از جمعیت فعال خارج شده‌اند.

– نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)

عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰.

$$\text{نرخ مشارکت اقتصادی} = \frac{\text{جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر)}}{\text{جمعیت در سن کار ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر)}} \times 100$$

۲-۲. تقاضای نیروی کار

تقاضای نیروی کار رابطه بین نرخ دستمزد و میزان اشتغال است و نشان می‌دهد که کارفرمایان در نرخ و مزد معین تمایل به استخدام چه تعداد نیروی کار دارند. به طور کلی تقاضای نیروی کار تابعی از سطح تولید و قیمت‌های نسبی عوامل تولید است.

مقایسه شاغلین در بخش‌های مختلف اقتصادی شامل صنعت، کشاورزی و خدمات در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که در مجموع ۲۰/۵ میلیون نفر مشغول به کار می‌باشند. مقایسه این تعداد شاغلین با رقم مشابه در سال ۱۳۸۶ مؤید کاهش ۲/۹ درصد تعداد شاغلین است. به عبارت دیگر نیروی کار جدید حتی به میزان خروج نیروی کار باز نشسته و یا از کار افتاده نبوده است، در حالی که با توجه به ورود سالانه حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نیروی کار جدید باید با سرمایه‌گذاری‌های لازم زمینه اشتغال نیروی کار جدید و بیکاران در جستجوی کار را فراهم نمود.

گزارش مرکز آمار ایران از توزیع شاغلین در بخش‌های اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که بخش خدمات با ۴۶/۵ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در این سال سهم بخش‌های صنعت و کشاورزی به ترتیب معادل ۳۲/۲ و ۲۱/۲ درصد بوده است.

بررسی سهم شاغلین بخش‌های عمده اقتصادی طی سه سال و به تفکیک مناطق، حاکی از افزایش سهم بخش صنعت و کاهش سهم بخش کشاورزی است. البته بروز پدیده خشکسالی در سال ۱۳۸۶ در کاهش سهم بخش کشاورزی مؤثر بوده است.

در مناطق روستایی نیز سهم بخش خدمات و صنعت در سال ۱۳۸۷ افزایش و در مقابل سهم بخش کشاورزی کاهش داشته است. اجرای طرح‌های خوداشتغالی توسط نهادهای فعال در مناطق روستایی، در افزایش سهم بخش خدمات مؤثر بوده است.

جدول (۳) سهم شاغلین در بخش‌های اقتصادی

درصد تغییر		سال			
۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
کل کشور					
-۷/۰	-۱/۷	۲۱/۲	۲۲/۸	۲۳/۲	کشاورزی
۰/۶	۰/۹	۳۲/۲	۳۲/۰	۳۱/۷	صنعت
۳/۱	۰	۴۶/۵	۴۵/۱	۴۵/۱	خدمات
مناطق شهری					
-۶/۶	-۱/۶	۵/۶	۶/۰	۶/۱	کشاورزی
-۰/۸	۲/۰	۳۵/۰	۳۵/۳	۳۴/۶	صنعت
۱/۰	-۱/۰	۵۹/۳	۵۸/۷	۵۹/۳	خدمات
مناطق روستایی					
-۰/۴	۰/۵	۵۲/۸	۵۵/۰	۵۴/۷	کشاورزی
۳/۵	-۲/۳	۲۶/۷	۲۵/۸	۲۶/۴	صنعت
۶/۲	۱/۶	۲۰/۴	۱۹/۲	۱۸/۹	خدمات

منبع: مرکز آمار ایران

۲-۳. دستمزدها و بهره‌وری نیروی کار

یکی از مهمترین عوامل تولید، نیروی انسانی است. برای انجام فعالیت تولیدی با بهره‌وری مطلوب ضروری است، میزان و تخصص نیروی انسانی مورد نیاز تعیین شود.

پرداختی به عامل کار به عنوان دستمزد، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری و انگیزه نیروی کار در فرآیند تولید دارد. دستمزد از دیدگاه کارگران در آمد تلقی می‌شود، اما از دیدگاه صاحبان صنایع و کارفرما هزینه تلقی می‌گردد و افزایش آن، اثر سریع بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات دارد.

دستمزدی که در شرایط رقابتی پرداخت می‌شود، کارفرما را وادار می‌سازد که از نیروی انسانی به نحوی استفاده کند که بیشترین و بالاترین بازده را به دست آورد. دستمزد با توجه به تأثیری که در سطح زندگی نیروی انسانی دارد، در طرز تفکر، سطح برخورداری از تعلیم و تربیت، بهداشت و فرهنگ خانواده فرد مزدبگیر نیز تأثیر می‌گذارد.

منظور از حداقل دستمزد، دستمزدی است که بدون توجه به

میزان بهره‌وری نیروی کار و دیگر روابط و قوانین حاکم بر مزدها، نظیر عرضه و تقاضای نیروی کار، بنابر ملاحظات زیستی و معیشتی کارگر و خانواده او تعیین می‌شود. بررسی سوابق و ادبیات مربوط به تعیین حداقل دستمزد در ایران و همچنین سایر کشورهای جهان، بیانگر لحاظ نمودن فلسفه‌ای است که قبل از آنکه به مزد به عنوان مسئله‌ای اقتصادی بنگرد، آن را مقوله‌ای اجتماعی می‌داند و بر آن است تا

سیاست افزایش حداقل دستمزد واقعی، به نفع نیروی کار شاغل و به زیان نیروی کار غیر شاغل است. افزایش مستمر حداقل دستمزد واقعی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که به رغم معضل بیکاری در کشور، قدرت چانه زنی نیروی کار شاغل در تعیین حداقل دستمزدها همواره بر فشار ایجاد شغل برای بیکاران، غلبه داشته است

با محاسبه اقلامی از سبد کالای مصرفی خانوارها به لحاظ هزینه، تمهیداتی را اتخاذ کند که حداقل منابع لازم برای ادامه زندگی در اختیار کارگران و حقوق بگیران مشمول قانون کار قرار گیرد. بررسی های بیانگر آن است که توصیه های سازمان بین المللی کار با تغییراتی مختصر در گزینش نوع عوامل مؤثر در تعیین حداقل دستمزد، توسط کشورهای مختلفی در جهان پذیرفته و اعمال می گردد.

– در ایران بر اساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید، شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل دستمزد را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای زیر تعیین نماید:

– حداقل دستمزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی ج.ا.ا. اعلام می شود، تعیین می گردد.

– حداقل دستمزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده به کارگران را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.

– کارفرمایان موظف هستند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل دستمزد تعیین شده جدید پرداخت نمایند و در صورت تخلف، ضامن پرداخت مابه التفاوت دستمزد پرداختی و حداقل دستمزد جدید هستند.

– طبق ماده ۴۹ قانون کار، حداقل دستمزد موضوع ماده ۴۱ این قانون منحصرأباید به صورت نقدی پرداخت شود. پرداخت های غیر نقدی به هر صورتی که در قراردادها پیش بینی می شود به عنوان پرداختی تلقی شده که اضافه بر حداقل دستمزد است.

بررسی به عمل آمده نشان می دهد که علی رغم تأکید قانون گذار در متن قانون کار، حداقل دستمزد

جدول (۴) میزان دستمزد اسمی و واقعی و بهره وری نیروی کار*

سال					
۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	
۲۱۹۰	۱۸۳۰	۱۵۰۰	۱۲۶۶/۸	۱۰۶۶	حداقل مزد اسمی (هزار ریال)
۱۹/۷	۲۲/۰	۱۸/۴	۱۸/۸	۲۴/۹	درصد تغییرات (%)
۲۵/۴	۱۸/۴	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۵/۲	نرخ تورم
۱۱۹۴/۸	۱۲۵۱/۷	۱۲۱۴/۶	۱۱۴۷/۴	۱۰۶۶	حداقل مزد واقعی (هزار ریال)
-۴/۵	۳/۱	۵/۹	۷/۶		درصد تغییرات (%)
۲۳/۵	۲۳/۴	۲۲/۹	۲۲/۳	۲۱/۶	بهره وری نیروی کار (میلیون ریال / نفر)
۰/۴	۲/۲	۲/۷	۳/۲	۲/۹	درصد تغییرات (%)

* بهره وری نیروی کار برای سال ۱۳۸۷ به ترتیب با فرض افزایش ۲/۵ و ۰/۴٪ تولید ناخالص داخلی و نیروی کار شاغل برآورد گردید.

به صورت ملی تعیین شده و برای تمام فعالیت‌ها و نیز تمام مناطق یکسان است. در سال ۱۳۸۷ حداقل دستمزدها ۲۱۹۰ هزار ریال تعیین شد که در مقایسه با سال گذشته ۱۹/۷ درصد رشد داشت. با توجه به افزایش ۲۵/۴ درصد نرخ تورم، دستمزدهای واقعی ۴/۵ درصد کاهش داشته است. شایان ذکر است نرخ رشد دستمزد واقعی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶ مثبت بوده و دستمزدهای اسمی در سطحی بالاتر از نرخ تورم افزایش یافته است.

جدول (۵) میزان افزایش دستمزد کارکنان دولت (درصد)

سال		۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳
ضریب حقوق (بدون واحد)		۴۹۰	۴۵۴	۴۳۰	۳۸۰	۳۵۰
درصد تغییر		۷/۹	۵/۶	۱۳/۲	۸/۶	۹/۴
درصد افزایش سالانه		۳-۵	۳-۵	۳-۵	۳-۵	۳-۵
جمع افزایش		۱۰/۹-۱۲/۹	۸/۶-۱۰/۶	۱۶/۲-۱۸/۲	۱۱/۶-۱۳/۶	۱۲/۴-۱۴/۴
نرخ تورم (۱۳۸۳=۱۰۰)		۲۵/۴	۱۸/۴	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۵/۲

منبع: مصوبات هیئت وزیران

در سال ۱۳۸۷ ضریب حقوق کارکنان دولت نیز به رقم ۴۹۰ رسید که در مقایسه با سال قبل ۷/۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. بررسی روند افزایش ضریب حقوق نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ افزایش حقوق واقعی کارکنان دولت مثبت بوده و ضریب حقوق بیش از نرخ تورم افزایش یافته است. باید توجه داشت که سیاست افزایش حداقل دستمزد واقعی، به نفع نیروی کار شاغل^۱ و به زبان نیروی کار غیرشاغل^۲ است. افزایش مستمر حداقل دستمزد واقعی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که به رغم معضل بیکاری در کشور، قدرت چانه‌زنی نیروی کار شاغل در تعیین حداقل دستمزدها همواره بر فشار ایجاد شغل برای بیکاران، غلبه داشته است. افزایش حداقل دستمزد واقعی عمدتاً موجب بیکاری نیروی کار غیرماهر می‌شود ولی بر بیکاری نیروی کار ماهر و یا تحصیلکرده تأثیری ندارد.

سیاست افزایش حداقل دستمزد واقعی موجب افزایش امنیت^۱ در بازار کار و کاهش انعطاف‌پذیری^۲ می‌شود. افزایش حداقل دستمزد اسمی موجب افزایش متوسط دستمزدهای کارگاه‌های بزرگ صنعتی و شاخص دستمزد کارگران ساختمانی می‌شود. علاوه بر این، افزایش حداقل دستمزد اسمی موجب کاهش اشتغال رسمی و افزایش اشتغال غیررسمی می‌گردد.

با وجود این به دلیل رشد مستمر قیمت‌ها، برای تقویت بنیه مالی کارگران در دهک‌های پایین درآمدی، سیاست‌های افزایش حداقل دستمزد کافی نبوده است و نیاز به سیاست‌های تأمین اجتماعی و جبرانی دیگری باشد. بنابراین حداقل دستمزد یکسان برای کلیه بخش‌ها و مناطق، دارای توجیه اقتصادی نیست و به همین دلیل بسیاری از کشورها سیاست حداقل دستمزد را به صورت بخشی و یا منطقه‌ای دنبال می‌کنند. در این خصوص لازم است سیاست‌های منطقه‌ای در تعیین دستمزد صورت پذیرد.

تقویت ارتباط بین رشد دستمزد واقعی، رشد بهره‌وری نیروی کار و جلوگیری از رشد بیش از حد نرخ واقعی دستمزد از موضوعات اصلی در بررسی ابعاد اشتغال از دیدگاه اقتصاد کلان می‌باشد. درجه انعطاف‌پذیری دستمزدهای واقعی بیانگر سرعتی است که در آن دستمزدهای واقعی عملکردی، خود را با تغییرات دستمزدهای واقعی ساختاری (که هماهنگ با ساختار اقتصادی است) تعدیل می‌نمایند. درجه انعطاف‌پذیری (چسبندگی) دستمزد اسمی، سرعت تعدیل دستمزد اسمی را به تغییرات در

قیمت کالاهای مصرفی نشان می‌دهد؛ برای مثال انعطاف‌ناپذیری دستمزدهای اسمی زمانی افزایش می‌یابد که دستمزدها برای مدت طولانی تری تعیین گردند. در سال‌های اخیر، افزایش درآمد اسمی ناشی از افزایش قیمت نفت و بالا رفتن دستمزد اسمی بیش از نرخ تورم، سطح انعطاف‌پذیری دستمزد واقعی را پایین آورده و با افزایش انعطاف‌ناپذیری دستمزد واقعی، کاهش نرخ بیکاری دشوار شده است. به این ترتیب، کاهش انعطاف‌ناپذیری دستمزد واقعی از طریق جلوگیری از افزایش بی‌رویه دستمزدهای واقعی، در زمان بالا بودن قیمت نفت می‌تواند باعث این امر گردد که کارفرما، کارگر بیشتری را استخدام نماید و لذا نرخ بیکاری کاهش یابد.

یکی از مهمترین راه‌های کاهش نرخ بیکاری کاستن از مشکلات موجود در فرآیند تعیین دستمزد واقعی است. افزایش بیش از حد نرخ دستمزد واقعی به نسبت بهره‌وری متوسط نیروی کار، باعث می‌شود که نیروی کار داخلی توانایی رقابت‌پذیری تولیدات در بازارهای بین‌المللی را از دست بدهد؛ زیرا هزینه نیروی کار ایرانی را، در مقایسه با دیگر کشورها افزایش می‌دهد. این امر همچنین به کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای تولیدشده در داخل می‌انجامد. به این ترتیب، شرکت‌های ایرانی بادشواری بیشتری خواهند توانست خود را با محیط رقابتی بین‌المللی هماهنگ نمایند؛ محیطی که رقابت در کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش کیفیت تولیدات، به منظور افزایش سهم از بازار بین‌المللی از اجزای اصلی حضور در آن می‌باشد.

۴-۲. نرخ بیکاری

نرخ بیکاری نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر^۲ می‌باشد. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷، نرخ بیکاری در این سال در کل کشور حدود ۱۰/۴ درصد بوده است که در مقایسه با سال ۱۳۸۶ این نرخ ۰/۱ درصد کاهش یافته است. با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۷ واحدهای تولیدی و خدماتی با مشکلات ناشی از خشکسالی، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش تسهیلات بانکی در بنگاه‌ها مواجه بوده و امکان ایجاد فرصت‌های شغلی جدید را نداشته‌اند، به نظر می‌رسد کاهش جزئی نرخ بیکاری به دلیل کاهش نرخ مشارکت باشد. علاوه بر این، در شرایط عدم شفافیت اطلاعات، برخی افراد بیکار در جستجوی کار دچار مشکل می‌شوند.

این استدلال همچنین تا حدودی در ارتباط با گسترش کمی آموزش عالی نیز صادق است. تقاضای بیش از حد آموزش عالی تا حدود زیادی ناشی از بیکاری جوانان به ویژه بیکاری بالای فارغ‌التحصیلان دبیرستانی است که اشتغال به تحصیل در نهادهای آموزش عالی را جایگزین مناسبی برای فعالیت و اشتغال می‌دانند.

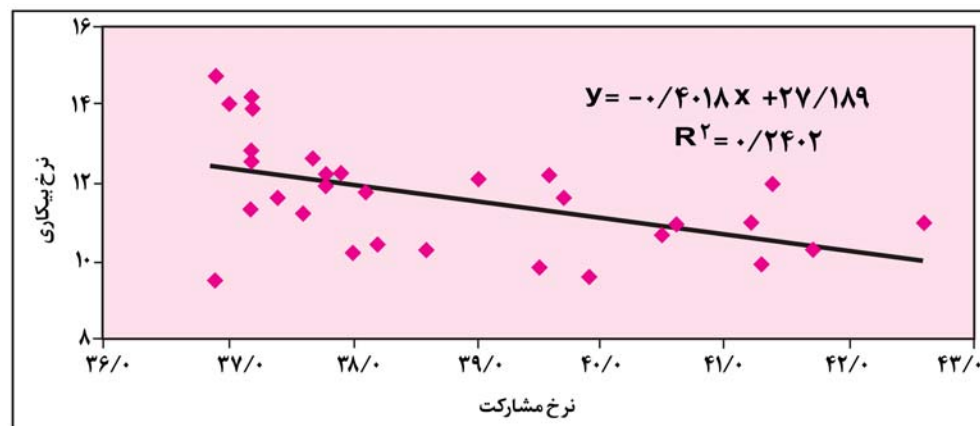
جدول (۶) شاخص‌های نیروی کار

(درصد)

تغییر واحد درصد	سال		تغییر واحد درصد		سه ماهه چهارم			نرخ
	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
-۰/۱	۱۰/۴	۱۰/۵	۰/۶	-۰/۲	۱۲/۵	۱۱/۹	۱۲/۱	نرخ بیکاری ۱۰ ساله و بیشتر
-۱/۸	۳۸/۰	۳۹/۸	-۰/۶	-۱/۴	۳۷/۲	۳۷/۸	۳۹/۲	نرخ مشارکت اقتصادی

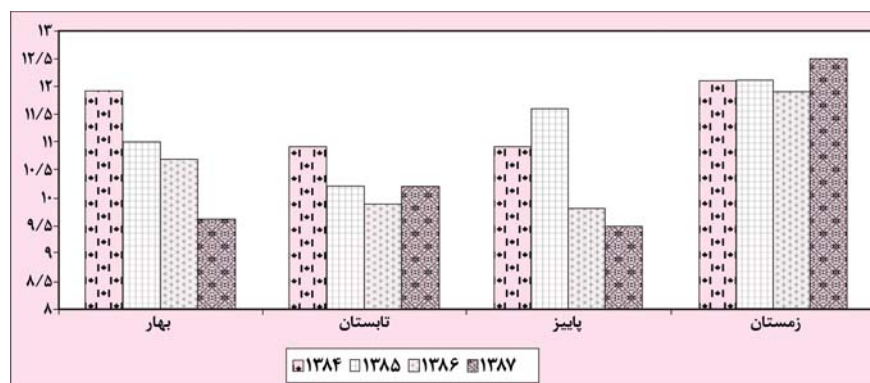
منبع: مرکز آمار ایران

نمودار (۵) ارتباط بین نرخ مشارکت و نرخ بیکاری (فصلی - درصد)
(۱۳۸۷-۱۳۸۰)



همچنان که از نمودار مشاهده می‌گردد، تراکم داده‌های مربوط به نرخ بیکاری عمدتاً در نرخ‌های بالا بوده و نرخ‌های کمتر از ۱۰ درصد به صورت خیلی محدود در اقتصاد مشاهده شده است.

نمودار (۶) نرخ بیکاری کل کشور به تفکیک فصول ۱۳۸۷-۱۳۸۴



تعریف شاغل و بیکار در گزارش نتایج آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران

شاغل:

تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. * شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خوداشتغالان می‌شوند. ترک موقت کار در هفته مرجع یا داشتن پیوند رسمی شغلی، برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان، اشتغال محسوب می‌شود. افراد زیر به لحاظ اهمیتی که در فعالیت‌های اقتصادی کشور دارند، شاغل محسوب می‌شوند:

۱- کارکنان فامیلی بدون مزد (افرادی هستند که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند).

۲- کارآموزانی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی مستقیماً در تولید کالا یا خدمات سهیم هستند و فعالیت آنها «کار» محسوب می‌شود.

۳- محصلانی که در هفته مرجع مطابق تعریف، کار کرده‌اند.
 ۴- تمام افرادی که در نیروهای مسلح به صورت کادر دائم یا موقت خدمت می‌کنند (نیروهای مسلح، پرسنل کادر و سربازان، درجه داران، افسران و وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی)
بیکار:

بیکار به تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر اطلاق می‌شود که:
 ۱- در هفته مرجع فاقد کار باشد (دارای اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی نباشند).
 ۲- در هفته مرجع و یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی آماده باشند).
 ۳- در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جوای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند).
 افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جوای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند.

* تا قبل از سال ۱۳۸۴ تعریف فرد شاغل به کسانی گفته می‌شود که شغل مستمر نداشته ولی در هفت روز گذشته حداقل دو روز کار کرده‌اند.

۱-۴-۲. نرخ بیکاری شهری و روستایی

یکی از ویژگی‌های نرخ بیکاری در کشور، عدم تعادل در بُعد شهری و روستایی است؛ به طوری که نرخ بیکاری در مناطق شهری همواره بالاتر از مناطق روستایی است. روند اجتناب ناپذیر رشد شهرنشینی و مهاجرت از مناطق روستایی به مراکز شهری به ویژه در گروه‌های متعلق به جمعیت فعال از علل پایین بودن نرخ بیکاری در مناطق روستایی می‌باشد. این مهم ضرورت برنامه‌ریزی برای اشتغال این گروه از

جدول (۷) توزیع منطقه‌ای بیکاری (درصد)

تغییر واحد درصد	سال		تغییر واحد درصد			
	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶		
	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
	-۰/۱	-۰/۸	۱۰/۴	۱۰/۵	۱۱/۳	کل کشور
	-۰/۵	-۰/۹	۱۲/۰	۱۲/۵	۱۳/۴	مناطق شهری
	۰/۶	-۰/۵	۷/۲	۶/۶	۷/۱	مناطق روستایی

منبع: مرکز آمار ایران

مهاجرین را در مناطق شهری دوچندان می‌نماید.
 همچنان که ملاحظه می‌شود کاهش محدود نرخ بیکاری در کل کشور عمدتاً ناشی از کاهش نرخ در مناطق شهری است و در سال مورد بررسی، نرخ بیکاری مناطق روستایی با افزایش و تبعات ناشی از بروز پدیده خشکسالی در سال‌های اخیر در افزایش نرخ بیکاری این مناطق مؤثر بوده است.

۲-۴-۲. نرخ بیکاری جوانان

بر اساس نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار ایران از نیروی کار در سال ۱۳۸۷، نرخ بیکاری جوانان در گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله، ۲۳ درصد و در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله، ۲۰/۴ درصد بوده است که به وضوح، حد بودن مشکل بیکاری جوانان در گروه‌های سنی پایین‌تر را مشخص می‌نماید.
 جوانان به دلیل عدم بر خور داری از تجربه، سابقه و مهارت لازم، به طور معمول در شرایط برابر با

بزرگسالان قرار ندارند. علاوه بر این، عدم انعطاف قانون کار در راستای حفظ نیروی کار شاغل و توجه بیشتر به شاغل شدن بیکاران، شانس جوانان در یافتن شغل را کاهش داده است. مقایسه نرخ بیکاری جوانان در گروه‌های سنی ۱۵-۲۴ و ۱۵-۲۹ ساله در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد، نرخ بیکاری مناطق روستایی در هر دو گروه سنی مذکور در سال ۱۳۸۷ افزایش داشته

جدول (۸) نرخ بیکاری جوانان به تفکیک مناطق (درصد)

تغییر واحد درصد	سال				
	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵		
۰/۷	-۱/۲	۲۳/۰	۲۲/۳	۲۳/۵	ساله ۱۵-۲۴
-۰/۲	-۱/۶	۲۷/۴	۲۷/۶	۲۹/۲	مناطق شهری
۲/۰	-۰/۷	۱۵/۳	۱۳/۳	۱۴/۰	مناطق روستایی
-۰/۴	-۰/۸	۲۰/۴	۲۰/۰	۲۰/۸	ساله ۱۵-۲۹
-۰/۴	-۱/۱	۲۳/۴	۲۳/۸	۲۴/۹	مناطق شهری
۱/۶	-۰/۵	۱۴/۱	۱۲/۵	۱۳/۰	مناطق روستایی

منبع: مرکز آمار ایران

است. این افزایش نرخ، موجب مهاجرت اغلب جوانان روستایی در این گروه سنی به شهرها خواهد شد. در مجموع می‌توان ادعا نمود که مشکل بیکاری در کشور بیشتر متوجه قشر جوان جامعه است. داشتن این گروه سنی، ضمن اینکه یک فرصت برای دستیابی به اهداف رشد و توسعه به شمار می‌آید، در صورت عدم اتخاذ تدابیر زودهنگام و مناسب جهت رفع بیکاری آنان، می‌تواند عواقب ناخوشایند و آثار اجتماعی و اقتصادی زاینباری را نیز به همراه داشته باشد.

علاوه بر این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین سهم بیکاران در مناطق شهری کشور، به افراد با سطح تحصیلات متوسطه و کارشناسی اختصاص دارد. همچنین بیشترین سهم از بیکاران در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند. اشتغال به کار این گروه سنی با توجه به اینکه در سن ازدواج و تشکیل خانواده قرار دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طولانی بودن دوره بیکاری به ویژه در بین گروه‌های جوان و تحصیلکرده و موقتی بودن مشاغل به عنوان مهمترین عامل بیکاری از مشخصه‌های بازار کار در مناطق شهری کشور است.^{۱۳}

۳-۴-۲. نرخ بیکاری زنان و مردان

بر اساس نتایج بررسی نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان و مردان به ترتیب ۹/۱ و ۱۶/۷ درصد می‌باشد. این اختلاف در شرایطی است که نرخ مشارکت زنان ۱۳/۶ درصد است که در مقایسه با سال ۱۳۸۶ (۱۵/۶ درصد) به میزان ۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. بنابراین، مشکل بیکاری زنان بسیار وسیع‌تر از مردان است. با توجه به پیش‌بینی روند افزایشی نرخ مشارکت زنان در سال‌های آینده، توجه به برنامه‌ریزی برای اشتغال زنان ضروری به نظر می‌رسد.

ضمن اینکه هزینه‌های زندگی، افزایش یافته و تأمین آن توسط اشتغال یک عضو خانواده مشکل بوده و همچنین نیاز به مشارکت زنان در تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی که از دلایل ضرورت افزایش نرخ مشارکت زنان به شمار می‌رود و نیز افزایش سطح تحصیلات زنان به ویژه در سطوح عالی (دانشگاهی) و انتقال اوج جمعیتی متولد شده در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به گروه‌های سنی بالاتر که نرخ مشارکت بیشتری دارند، پیش‌بینی افزایش نرخ مشارکت زنان را در سال‌های آتی تقویت می‌نماید.

جدول (۹) نرخ بیکاری به تفکیک مناطق و جنسیت

تغییر واحد درصد		سال			
۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
-۰/۱	-۰/۲	۱۰/۴	۱۰/۵	۱۱/۳	کل کشور
۰/۹	-۰/۸	۱۶/۷	۱۵/۸	۱۶/۲	زن
-۰/۲	-۰/۷	۹/۱	۹/۳	۱۰/۰	مرد

منبع: مرکز آمار ایران

۴-۲-۴. توزیع استانی بیکاران

یکی دیگر از ابعاد بازار کار که مورد توجه برنامه ریزان قرار دارد، بُعد استانی آن است. نرخ بیکاری بین استان های کشور تفاوت زیادی با یکدیگر دارد که به طور عمده به تفاوت فشار عرضه نیروی کار و سرمایه گذاری های به عمل آمده، ساختار فعالیت های اقتصادی و از همه مهمتر انعطاف بسیار پایین نیروی کار در جابجایی های جغرافیایی عرضه نیروی کار بستگی دارد.

بر اساس گزارش طرح آمارگیری از نیروی کار در سال ۱۳۸۷، استان لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، چهارمحال و بختیاری و همدان به ترتیب با ۱۷/۱، ۱۴/۹، ۱۴/۶، ۱۴/۱ و ۱۴ درصد بالاترین نرخ بیکاری و استان های یزد، آذربایجان شرقی، مازندران و خراسان شمالی به ترتیب برابر با ۶/۶، ۶/۸، ۷/۴ و ۷/۶ درصد پایین ترین نرخ بیکاری را داشته اند. این امر نشان می دهد که فاصله بین نرخ بیکاری استان های کشور (۱۰/۵ درصد) بسیار زیاد بوده و حاکی از عدم تعادل بازار کار در بُعد استانی است.

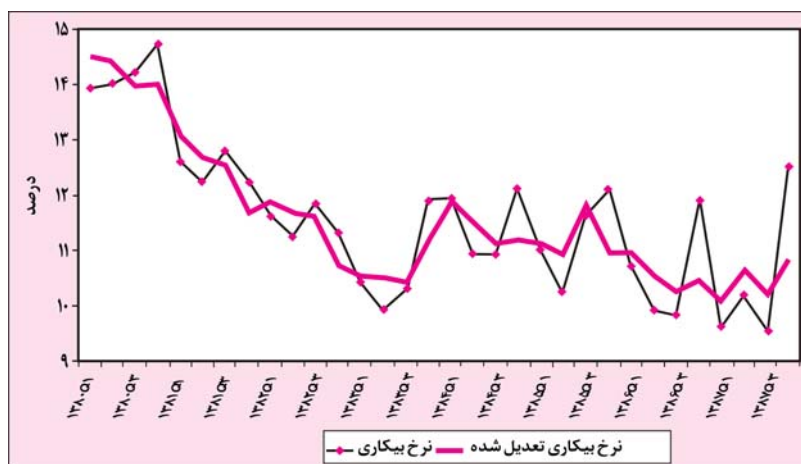
مقایسه نرخ مشارکت در استان های مختلف کشور طی سال ۱۳۸۷ نشان می دهد که به استثنای دو استان بوشهر و چهارمحال بختیاری، سایر استان ها با کاهش نرخ مشارکت مواجه بوده اند. در این سال آذربایجان غربی با ۴۳/۸ درصد بیشترین نرخ مشارکت و سیستان و بلوچستان با ۲۸/۶ درصد کمترین نرخ مشارکت را دارا بودند. با توجه به متوسط نرخ مشارکت کنونی نیروی کار در کل کشور (۳۸ درصد) که با اهداف تعیین شده در قانون برنامه چهارم توسعه (۴۲/۲ درصد) فاصله بسیاری دارد، انتظار می رود افزایش این نرخ طی سال های آتی، به افزایش بیشتر نرخ بیکاری منجر شود و عملاً تحقق نرخ بیکاری ۸/۴ درصد در انتهای برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور دست نیافتنی باشد.

۴-۲-۵. پیش بینی نرخ بیکاری

در این بخش از گزارش با توجه به داده های فصلی نرخ بیکاری از سال ۱۳۸۰ با استفاده از روند گذشته، نرخ بیکاری برای سال آینده برآورد می گردد. روند نرخ بیکاری قبل و بعد از حذف نوسان های فصلی در نمودار شماره ۷ (۷) مشخص شده است. همچنان که ملاحظه می شود بخشی از نوسان های نرخ بیکاری به دلیل تغییرات فصلی است. ماهیت تولید در بخش کشاورزی و رونق فعالیت های ساختمانی در برخی از فصول کار، در کاهش و یا افزایش نرخ بیکاری به صورت فصلی اثر بخش است.

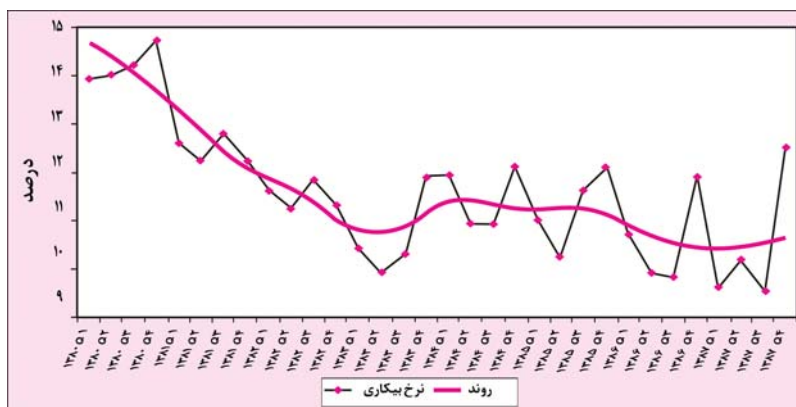
بررسی روند نرخ بیکاری طی فصول سال های ۱۳۸۰-۱۳۸۷ نشان می دهد که در برخی از مقطع های زمانی به دلیل به کارگیری سیاست های مختلف، نرخ بیکاری پایین تر از روند بلندمدت بیکاری می باشد. روند افزایشی نرخ بیکاری در پایان دوره ی مورد بررسی، بیانگر این نکته است که سیاست های به کار گرفته شده به صورت مقطعی، منجر به کاهش نرخ بیکاری شده و این کاهش ناشی از تغییرات ساختاری نبوده است. چنانچه روند کاهشی نرخ بیکاری در سطحی پایین تر از روند بلندمدت تداوم یابد، می توان

نمودار (۷) نرخ بیکاری و نرخ بیکاری تعدیل شده



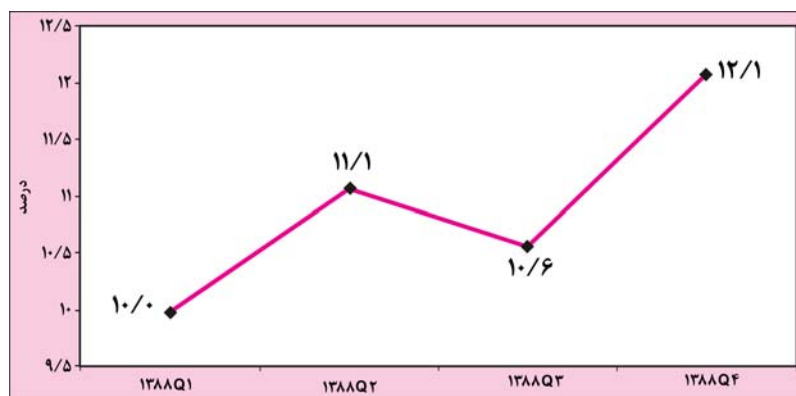
نتیجه گیری کرد که تغییرات ساختاری به وجود آمده، باعث کاهش نرخ مزبور شده است. در این صورت انتظار می رود که در بلندمدت روند کاهشی نرخ بیکاری حفظ گردد. بنابراین با توجه به روند کنونی نرخ بیکاری افزایش بیشتر آن در سال آتی دور از انتظار نیست.

نمودار (۸) نرخ بیکاری و روند آن



با توجه به روند گذشته، نرخ بیکاری برای چهار فصل سال ۱۳۸۸ به صورت زیر نمایش داده می شود:

نمودار (۹) پیش بینی نرخ بیکاری در فصول سال ۱۳۸۸



یک روش دیگر بر آورد نرخ بیکاری، استفاده از داده‌های مربوط به جمعیت ۱۰ساله و بیشتر، جمعیت فعال و جمعیت بیکار است. بر اساس داده‌های موجود جمعیت فعال در سال ۱۳۸۷ معادل ۲۲/۹ میلیون نفر می‌باشند. با توجه به کاهش رشد جمعیت فعال طی سال‌های اخیر، فرض می‌شود جمعیت مذکور با رشد محدود ۱٪ درصد مواجه گردد. از طرف دیگر جمعیت بیکاران در سال ۱۳۸۷ معادل ۲/۴ میلیون نفر بر آورد می‌گردد. با توجه به فارغ التحصیلی حدود ۱/۴ میلیون نفری دانشجویان دانشگاه آزاد و سراسری در مقاطع مختلف تحصیلی و با فرض قبولی کلیه دانش آموزان در دانشگاه و نیز با در نظر گرفتن تمامی ظرفیت دولت برای ایجاد حدود ۷۰۰ هزار فرصت شغلی، در سال ۱۳۸۸ تعداد بیکاران به ۳/۱ میلیون نفر بالغ می‌شود. بر این اساس نیز نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۸ فراتر از نرخ آن در سال مورد بررسی خواهد بود و مؤید نرخ بر آورد شده در روش قبلی است.

۳. جمع بندی و پیشنهادها

- بررسی تحولات بازار کار در سال ۱۳۸۷ مؤید کاهش نسبی نرخ بیکاری در مقایسه با سال قبل است. در این سال نرخ مشارکت نیز کاهش داشته است. روند کاهشی رشد جمعیت فعال و گذر از اوج جمعیتی، ادامه تحصیل و عدم وجود سیستم اطلاع رسانی مناسب در بازار جهت مراجعه بیکاران به مراکز آماري از جمله عواملی است که منجر به رشد محدود جمعیت فعال و نهایتاً کاهش نرخ مشارکت می‌شود.
- بالا بودن نرخ بیکاری جوانان، طولانی بودن مدت زمان بیکاری، عدم تعادل جنسیتی، فاصله بسیار نرخ بیکاری زنان با مردان علی رغم پایین بودن نرخ مشارکت فعلی این گروه از نیروی کار و عدم تعادل استانی نرخ بیکاری از جمله چالش‌های فعلی بازار کار است که لازم است جهت بهبود آن سیاست‌های مناسب اعمال شود.

- قرار گرفتن حدود ۱۲ میلیون نفر (زن و مرد) از موالید در محدوده سنی ۲۵-۳۰ سال بیانگر احتمال ایجاد نرخ بالای زاد و ولد طی سال‌های آتی است؛ با توجه به اینکه این گروه سنی در سن ازدواج قرار دارند و بیشترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص می‌دهند.

- انتظار می‌رود با توجه به سیاست‌های انقباضی دولت در سال ۱۳۸۷ که به دنبال افزایش نرخ تورم اتخاذ گردید، اقتصاد با رشد محدود مواجه شود و اهداف اشتغال زایی نیز محقق نگردد، در ضمن در شرایطی که اقتصاد با کاهش رشد تولید مواجه شود، بسیاری از واحدهای تولیدی با مشکل مواجه می‌شوند و اقدام به تعدیل نیروی کار موجود می‌نمایند. از این جنبه نیز انتظار افزایش نرخ بیکاری برای سال ۱۳۸۸ دور از انتظار نمی‌باشد.

- باید توجه داشت رشد اقتصادی از راه‌های مختلفی نظیر افزایش کارایی و بهره‌وری نیروی کار، توسعه تکنولوژی و فنآوری و در نهایت فراهم آوردن شرایطی که بتوان از ظرفیت‌های خالی اقتصاد بهره کافی برد، مهمی می‌گردد. رشد اقتصادی زمانی منجر به رشد اشتغال می‌شود که مبتنی بر گسترش سهم در بازار بین المللی و در نتیجه افزایش سهم صادرات باشد. در این صورت با فعال کردن تجارت خارجی ضمن استفاده از کل ظرفیت‌های موجود، ظرفیت‌های جدیدی نیز برای اشتغال ایجاد خواهد شد. در این شرایط که عمدتاً نیازمند تغییرات ساختاری در بخش‌های تولیدی با هدف تولید برای بازارهای جهانی است، بازآموزی نیروی کار و جابجایی آن به بخش‌ها و رشته‌های دیگر اقتصادی موجب افزایش اشتغال خواهد شد؛ در غیر این صورت و با وجود انعطاف ناپذیری نیروی کار بیکاری شدت خواهد گرفت. بنابراین شرط اصلی جلوگیری از افزایش بیکاری، وجود بازار کار فعال، مؤسسات و نظام فعال و منعطف، بازآموزی و بازپروری مؤثر نیروی کار در راستای تقاضا و ایجاد مراکز کارایی به منظور اطلاع رسانی بین متقاضیان و عرضه کنندگان نیروی کار است. به بیان دیگر، رشد اقتصادی می‌بایست

در صنایع و رشته‌های خاصی به وقوع بپیوندد و همزمان با سیاست‌ها و سازوکارهای مناسب بازار کار ترکیب شود. بازار کار ایران، یک بازار کار منعطف و فعال نیست. همچنین رفع موانع قانونی و بهبود فضای کسب و کار به ویژه برای حضور قدرتمند بخش خصوصی، پیش نیاز هرگونه سیاستگذاری در این بازار است.

پانویست‌ها:

- ۱- مقاله حاضر با استناد به آمار و اطلاعات گزارش «تحولات بازار کار در سال ۱۳۸۷»، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ارائه گردیده است. در این مقاله بیشتر جنبه تحلیلی موضوع هدف بوده و از ذکر آمار تفصیلی اجتناب شده است.
 - ۱.۱. پرنیس دایره اجتماعی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.
 - ۱.۱. * محقق اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ۲- سه بازار دیگر عبارتند از: بازار پول، سرمایه و کالاها و خدمات.
- ۳- آمار مذکور از سازمان ثبت احوال کشور دریافت شده است.
- ۴- نرخ باروری کلی، تعداد فرزندان است که هر زن طی دوران باروری خود به دنیا می‌آورد.
- ۵- نرخ باروری زنان ۱۵ تا ۱۹ سال، تعداد فرزندان به دنیا آمده توسط مادران در این طیف سنی در هر ۱۰۰۰ تولد زنده است.
- ۶- باید توجه داشت، در شرایطی که نرخ بیکاری در سطح بالایی قرار می‌گیرد، انتظار می‌رود که نرخ مشارکت (فعالیت) کاهش یابد. این پدیده که به «اثر مایوس‌کنندگی» (Discouraged effect) موسوم است، افراد را از جستجوی کار مایوس می‌کند، زیرا آنان با هرتلاشی و از هر طریقی قادر به یافتن شغل نبوده و لذا از جمعیت فعال خارج می‌شوند.
- ۷- به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات سال، ارقام سه ماهه چهارم ارائه شده است.

8- Insider.

9- Outsider.

10- Security.

11- Flexibility.

- ۱۲- در اغلب کشورها نرخ بیکاری برای جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر محاسبه می‌گردد. منتها با توجه به نرخ مشارکت پایین جمعیت ۱۰ تا ۱۵ ساله، محاسبه نرخ بیکاری برای جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر با نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر اختلاف چندانی ندارد.
- ۱۳- برگرفته از گزارش اشتغال و بیکاری، اداره آمار بانک مرکزی ج.ا.ا.

منابع و مأخذ

- ۱- مرکز آمار ایران، گزارش نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، سال‌های مختلف.
- ۲- اداره آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. نتایج بررسی اشتغال و بیکاری در مناطق شهری، سال‌های مختلف.
- ۳- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش موانع و تنگنای تولید از جنبه نیروی انسانی و بازار کار، سال‌های مختلف.